

## تأثیر سبک زندگی خانوارهای شهری در بحران انرژی (با تأکید بر ایران)

زهره فنی<sup>۱\*</sup>، مصطفی شمسایی<sup>۲</sup>

\*۱- دانشجویار گروه جغرافیای انسانی و آمایش دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران

۲- دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران

### چکیده

امروزه شهرها به دلیل نقش و کارکردها در سطوح ملی، منطقه‌ای و جهانی و در ابعاد مختلف سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و زیست محیطی بزرگ‌ترین و مهم‌ترین زیستگاه انسان محسوب می‌شوند به گونه‌ای که کلانشهرها امروزه نقش مهم و موثری در تولیدات جهانی ایفا می‌کنند. از این رو شهرها به‌عنوان بزرگ‌ترین واحدهای مصرف‌کننده انرژی در سطح جهان تلقی می‌شوند که در صورت استفاده ناصحیح و غیر اصولی از انرژی بزرگترین چالش‌های جهانی را پدید می‌آورند. کشورها سعی می‌کنند در پی مقابله با این چالش‌ها رفتار صحیح و خردمندانه‌ای برگزینند. بی‌شک نگاه سیستمی به این مقوله نگاه صحیح و اصولی بوده و توجه به مسائل اجتماعی از زمینه‌های مهم و اساسی، جهت بررسی و کنکاش می‌باشد. پژوهش حاضر به بررسی مبانی نظری رویکردهای مواجهه با بحران انرژی می‌پردازد و تحلیل می‌کند که راهکارها و تمهیدات دولت‌ها در سطوح مختلف از جمله (توافقنامه‌های بین‌المللی، استفاده از فناوری و تکنولوژی سبز، افزایش قیمت حامل‌های انرژی و...) به‌تنهایی و بدون حمایت از اندیشه سبز همگانی (سبک زندگی پایدار) نمی‌تواند در جهت مواجهه با این بحران به‌خوبی عمل کند. سبک زندگی پایدار شیوه‌ای از زندگی است که بر کاهش استفاده فرد و جامعه از منابع طبیعی تأکید دارد. افرادی که این روش زندگی را برمی‌گزینند تلاش می‌کنند تا با تغییر عادت‌های رفت‌وآمد، مصرف انرژی و رژیم غذایی کربن‌دی‌اکسید کمتری تولید کنند. طرفداران این روش زندگی سعی می‌کنند زندگی خود را با پایداری محیط زیست و احترام به رابطه همزیستی با طبیعت وفق دهند.

**واژه‌های کلیدی:** سبک زندگی، پایداری، خانوار شهری، بحران انرژی، انرژی تجدیدناپذیر

## مقدمه

بی تردید با ظهور مدرنیسم، فرهنگ مدرنیستی موجب تغییر روابط و مناسبات بین انسان و طبیعت شده است. حرکت انسان به سمت تکنولوژی زمینه برای بهره‌گیری وسیع تر از طبیعت و منابع را تشدید کرده است. به تدریج تفکر (انسان و طبیعت به عنوان یک نظام واحد)، جای خود را به (انسان غالب و طبیعت مغلوب) داد. بهره‌گیری بی‌حد از منابع طبیعی در حوزه‌های مختلف تا آنجا پیش رفت که طبیعت برای رسیدن به تعادل به این اقدامات انسانی واکنش نشان داد. تغییرات وسیع آب و هوایی، گرم شدن زمین به دلیل نازک شدن لایه ازن، ذوب شدن یخ‌های قطبی و نابودی زیست‌بوم‌ها، انسان را بر آن داشت که در مناسبات خود با طبیعت و سبک زندگی تغییراتی پدید آورد. بازگشت به طبیعت و طبیعت انسانی از اوایل قرن بیستم میلادی در پاسخ به بحران‌های زیست‌محیطی انسانی، دغدغه بسیاری از متفکران از جمله دیکنز، هاوارد و آنجلز شد و پس از جنگ جهانی دوم در غرب جنبش مدرن ذیل دو رویکرد عمده فلسفی و علمی شکل گرفت. در آغاز، هایدگر حیات و سکونت انسان بر روی زمین را هماهنگی و پیوند بین زمین، آسمان، خدا و انسان‌ها معنا کرد (Heidegger, 1971)؛ سنت گرایان نیز از منظر فلسفی - دینی با نقد مدرنیسم، به مناسبات تنگاتنگ طبیعت با انسان در ادیان جهان اشاره کردند (نصر، ۱۳۸۹). در ادامه نیز شاهد شکل‌گیری مباحثی از جمله توسعه پایدار در بُعد اجتماعی و تغییر آگاهانه سبک زندگی هستیم که گروهی با عناوین جنبش یا زندگی سبز و تمایل به آهنگ آهسته زندگی و استفاده از محصولات طبیعی بر علیه الگوی مسلط برآمدند.

با وجود تحول و تغییر نگرش بنیادی در مناسبات محیط انسانی و طبیعی، هنوز رویکردهای پیشین به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه به طور کامل از نگرش یک سویه انسان به محیط برکنار نیستند. البته رویکردهای جدید (از جمله توجه به حمل و نقل عمومی، رشد فشرده، شهر هوشمند) و بهره‌گیری از انرژی‌های پاک اگرچه در مواجهه

با بحران انرژی اجرایی و به‌کار بسته می‌شوند ولی این رویکردها نیازمند توجهی مضاعف هستند. به عبارت دیگر سبک زندگی انسانی در همزیستی و پیوند دوسویه با طبیعت و رویکردهای دیگر می‌تواند سیستمی پایدار و سبز ایجاد نماید.

شهرنشینی یکی از فرایندهای تاریخی زندگی انسان بوده که پس از انقلاب صنعتی با رشد زیادی ادامه یافته است؛ روز به روز بر میزان جمعیت ساکن در شهرها افزوده شده به طوری که میزان جمعیت شهری در جهان از ۱۳ درصد (۲۲۰ میلیون نفر) در سال ۱۹۰۰ به ۲۹ درصد (۷۳۲ میلیون نفر) در سال ۱۹۵۰ رسیده است. بر اساس برآورد سازمان ملل از اواخر سال ۲۰۰۸ میلادی میزان جمعیت شهری از مرز ۵۰ درصد عبور و پیش‌بینی می‌شود تا سال ۲۰۵۰ درصد جمعیت شهری کشورهای در حال توسعه و توسعه یافته به ترتیب ۶۴ و ۸۶ درصد شود. این سازمان اخیراً اعلام کرده که در حدود ۱/۱ میلیارد نفر طی ۱۳ سال آینده (۲۰۱۷ تا ۲۰۳۰) توسط شهرها، جذب خواهند شد (Cohen, 2015).

از سوی دیگر امروزه شهرها و به‌ویژه کلانشهرها نقش بسیار مهم و حیاتی در تولید جهانی ایفا می‌کنند به گونه‌ای که اگر چه ۳۰۰ کلانشهر در سطح جهان، ۲۰ درصد جمعیت جهان را در خود جای داده‌اند، نیمی از تولیدات جهانی در سال ۲۰۱۴ را نیز به خود اختصاص داده‌اند (Berube et al, 2015).

بدون تردید توفیق شهرها در اختصاص سهم قابل توجه در تولید ناخالص داخلی کشورها (GDP)<sup>۱</sup> بدون بهره‌گیری و مصرف معقول و مناسب انرژی میسر نمی‌شود. انرژی یکی از استراتژیک‌ترین منابع و کالاهای اساسی برای حمایت از جامعه مدرن صنعتی است. از زمان انقلاب صنعتی، دسترسی به انرژی تجارتي نه تنها موجب بهبود کیفیت زندگی شده، بلکه رفاه اقتصادی را نیز از طریق بالابردن استاندارد زندگی افزایش داده است. اگر چه ممکن است انرژی به عنوان یک نماد برای پیشرفت ظاهر شود، اما به طور فزاینده‌ای با جدی‌ترین چالش‌های

اغلب برای درک عظمت چالش جهانی آینده، اصطلاح "انقلاب انرژی" استفاده می‌شود. طبق تعریف، انقلاب‌ها، می‌تواند با نابودی و آشفتگی همراه باشد، اما در زمینه انرژی، می‌تواند با به‌کار بستن ایده و شیوه خلاقانه منجر به آینده‌ای بهتر شود. در حقیقت انرژی همانند چاقوی دو لبه‌ای است که از سویی می‌تواند موجب از بین رفتن جهان گردیده و از سوی دیگر می‌تواند با بهره‌گیری از نوآوری‌های انرژی پاک و پیشرفت‌های تکنولوژی تأثیر مثبتی بر بسیاری از چالش‌های جهانی داشته باشد و حتی می‌تواند تعدادی از مشکلات مهم را حل نماید. به‌عنوان مثال، در حال حاضر ۱/۳ میلیارد نفر در جهان، از خدمات برق مدرن محروم می‌باشند. تلاش برای توسعه از سویی منجر به افزایش تقاضا برای انرژی خواهد شد و هم‌چنین می‌تواند منجر به رقابت برای سایر منابع بحرانی با تأثیرات مخرب گردد. استفاده مجدد از زمین از طریق کشت محصولات زیستی سوخت ممکن است با تولید غذا برای آب رقابت کند و هم‌چنین می‌تواند منجر به انتشار گازهای گلخانه‌ای بیشتر شود. احداث نیروگاه‌های حرارتی بیشتر که برای خنک‌سازی نیاز به آب زیادی دارند، می‌تواند در تقابل و متعارض با منابع محدود آب باشد.

از آن‌جا که انرژی برای توسعه و رونق کشورها بسیار حیاتی است، این موضوع نیازمند نفوذ سیاسی و بحث و گفتگو قوی می‌باشد. چالش برای ساخت یک مسیر پایدار به سمت یک جامعه کم‌کربن، شامل یک انتقال عمده اجتماعی- فنی است که نیازمند درک بهتر عوامل اجتماعی، فنی و اقتصادی و تعاملات آن دارد (Foxon, 2011). پیچیدگی پایداری انرژی، نیازمند تقویت گفتگوی علمی- سیاسی دارد تا اطمینان حاصل شود که تصمیم‌گیرندگان، اطلاعات دقیق‌تری در مورد گزینه‌ها و پیامدهای دشوار آن دارند. جوامع علمی و پژوهشی نقش مهمی در گردآوری واقع بینانه اطلاعات دارند.

محدوده موضوعی انرژی بسیار گسترده است. اما به‌جای تحدید موضوعی آن، امروزه بر مشارکت نوین تأکید می‌شود. تحقیقات پیشرفته، تجزیه و تحلیل کلان، تجربه‌های منحصر به فرد و یا ایده‌های جسورانه‌ای جدید

جهانی زمان ما و یا به کل موجودیت ساختار اجتماعی حاضر مرتبط است. وجود منابع انرژی در جهان، پیشرفت‌های تکنولوژیکی و صنعتی را موجب شده و در الگوها و شیوه‌های سفر تغییرات بزرگی بوجود آورده است. ضمن این‌که انرژی با چالش‌های مهمی مانند تغییرات اقلیمی، تخریب محیط زیست، امنیت، فقر، بهداشت، تولید مواد غذایی و منابع آب ارتباط دارد. بنابراین، هنگام تدبیر راه‌حل‌های بهتر و پایدار انرژی، بایستی در قالبی سیستمی (چند رشته‌ای) به این مقوله نگرست (Lund & Byrne, 2014; Sovacool, 2014).

امروزه پژوهشگران برای حل بخشی از بحران‌های زیست‌محیطی، راهبردهای مختلفی از جمله معماری سبز، حمل و نقل سبز و استفاده از انرژی‌های تجدیدپذیر اندیشیده‌اند. در حال حاضر، کشورهای توسعه‌یافته و برخی کشورهای در حال توسعه بر روی پژوهش‌های کاربردی با موضوع سیستم‌های بهره‌گیری از انرژی‌های تجدیدپذیر طبیعت سرمایه‌گذاری وسیعی کرده‌اند. با این حال، این راهکارها در کنار سبک زندگی سبز و پایدار می‌تواند به نتیجه منجر شود.

بیشترین اثرات منفی ناشی از انرژی، تغییر آب و هوایی مربوط به انتشار گازهای گلخانه‌ای و استفاده گسترده از سوخت‌های فسیلی بوده که هنوز بخش اعظم تولید انرژی جهان را تشکیل می‌دهد و بسیاری از اقتصادهای در حال رشد در آسیا و دیگر نقاط جهان به آن متکی هستند. این اثرات باعث افزایش دمای جهانی گشته و به نوبه خود می‌تواند به اکوسیستم‌های زیست بوم آسیب برساند و ممکن است منجر به صدمات، قحطی، انقراض گونه‌ها، مهاجرت انسانی شود. برای این‌که این اثرات مخرب به سطح قابل‌تحملی برسند، کاهش ۵۰ درصدی انتشار گازهای گلخانه‌ای تا اواسط قرن حاضر لازم و ضروری است. جامعه علمی، به‌ویژه برندگان جایزه نوبل، هیأت بین‌المللی برای تغییرات آب و هوایی (IPCC)، مستندات متقنی را در خصوص ارتباط بین انتشار کربن و تغییرات اقلیمی ارائه نموده و آلترناتیوهای مربوط به چگونگی کاهش آسیب‌پذیری این حوزه را تهیه نموده‌اند (Pachauri, 2012).

برای مقابله با تدابیر متداول و سنتی می باشد (Foxon, 2011).

پژوهش حاضر از منظری نقادانه به مبانی نظری رویکردهای مواجهه با بحران انرژی می‌پردازد و این‌که توافقنامه‌های بین‌المللی و استفاده از فناوری و تکنولوژی سبز و پاک به تنهایی و بدون حمایت از اندیشه سبز (سبک زندگی پایدار) نمی‌تواند در مواجهه با این بحران به خوبی عمل کنند. این مقاله ضمن بررسی و ارزیابی شیوه و سبک زندگی خانوارهای شهری<sup>۱</sup>، تأثیرات مثبت و منفی آن را بر وضعیت انرژی مورد مطالعه قرار داده و ویژگی و مولفه‌های سبک زندگی هماهنگ با طبیعت و مقوم توسعه پایدار را تحلیل کرده است.

### پیشینه تحقیق

به دلیل وجود رابطه عمیق و گسترده میان فعالیت‌های تجاری-اقتصادی جهانی با پایداری محیط زیست به‌طور کلی و با توسعه پایدار شهری به‌ویژه، متفکران و اندیشمندان گوناگونی در این حوزه، به بررسی چالش‌ها پرداخته‌اند (فنی، ۱۳۹۳) که پاره‌ای از این چالش‌ها به موضوع سبک زندگی شهری و الگوی مصرف انرژی اختصاص دارد. در ایران اغلب مطالعات انجام شده در حوزه انرژی، به بحث‌های «فنی - تخصصی» و بعضاً تحلیل‌های اقتصادی و موردی پرداخته‌اند. سازمان مدیریت و برنامه استان‌ها قبل از انحلال، مطالعاتی به صورت موردی در زمینه مصرف انرژی در هر استان انجام داده و الگوی خاصی برای چگونگی مصرف ارایه کرده است. همچنین وزارت نیرو، معاونت امور انرژی کمیته ملی انرژی جمهوری اسلامی ایران، سازمان انرژی اتمی، سازمان انرژی‌های نو ایران (سانا)، سازمان بهروری انرژی ایران (سابا)، معاونت امور اقتصادی وزارت امور اقتصادی و دارایی، به لحاظ تخصصی مطالعات نسبتاً گسترده‌ای درخصوص منابع و مصرف انواع انرژی کشور به عمل آورده‌اند. علاوه بر این مرکز آمار ایران نیز با «تهیه طرح جامع آمارهای انرژی» مطالعاتی را در ارتباط به تولید و

مصرف انرژی انجام داده و نیازهای آماری و شاخص‌های مهم انرژی را تعریف و طبقه‌بندی کرده است.

انتشار کتاب زندگی خوب در سال ۱۹۵۴ از سوی هلن و اسکات نیرینگ، نقطه عطفی در معرفی زندگی پایدار بود و نقش مهمی در شکل‌گیری جنبش بازگشت به زمین<sup>۲</sup> در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ ایفا نمود.

تحقیقات انجام شده در مورد الگوی مصرف انرژی تأثیر متغیرهایی همچون جنسیت، محل سکونت، سن، درآمد و تحصیلات و عامل‌هایی همچون دینداری، سبک زندگی، ارزش‌های افراد و رسانه‌ها بر آن را نشان می‌دهد. طبق پژوهش موحد و شوازی (۱۳۸۹)، مردان بیش از زنان گرایش به مصرف دارند. مصرف برق خانوارهای شهری بیش از روستائیان است. نحوه زندگی در شهر نیاز به انرژی و زندگی خانوارهای روستایی بیشتر با طبیعت هماهنگ است و نیاز کمتری به انرژی برق و گاز دارند. همچنین محققانی نوشته‌اند که متغیر شهرنشینی که با مصرف انرژی خانگی رابطه مثبت دارد در کشورهای پیشرفته بهترین معیار ارزیابی است (زارع شاه آبادی و دیگران، ۱۳۹۲).

مصرف انرژی در اقشار گوناگون اجتماعی نیز متفاوت است. داده‌های پیمایشی سال ۲۰۰۷ آمریکا نشان می‌دهد که شیوه‌های مصرف در جامعه آماری مورد نظر، قویاً در «نظام قشربندی» و طبقه اجتماعی ریشه دارد. خانوارهای کم درآمد، مصرف انرژی بسیار کمتری نسبت به خانوارهای پردرآمد دارند؛ همچنین انگیزه صرفه جویی انرژی در خانواده‌های مرفه کمتر از خانواده‌های متوسط و پایین است (زارع شاه آبادی و همکاران، ۱۳۹۲).

همچنین رسانه‌ها از عوامل تأثیرگذار بر سبک زندگی و الگوی مصرف خانوارها هستند. پژوهشی در روستاهای ایران، بیانگر این بود که استفاده از تلویزیون، ویدیو و تماشای برنامه‌های تلویزیون خارجی بر نگرش روستائیان به زندگی شهری و تمایل به تغییر سبک زندگی تأثیر گذارست (رضوی زاده، ۱۳۸۳). پژوهش دیگری بر روی دانشجویان کانادایی بیانگر آن بود که برنامه‌های تبلیغاتی

<sup>2</sup>- back-to-the-land movement

<sup>1</sup> Lifestyle of urban households

و فرهنگی رسانه‌های جمعی، سبک زندگی جامعه را جهت دهی می‌کند (Surlin & suire, 1997).

## ادبیات موضوع

### سبک زندگی<sup>۱</sup>

واژه سبک زندگی نخستین بار توسط آلفرد آدلر روان‌شناس اتریشی به کار رفت. در حقیقت این اصطلاح به نظرات، رفتارها و جهت‌گیری رفتاری یک فرد، گروه یا فرهنگ اشاره می‌کند. چنی سبک‌های زندگی را الگوهایی از عمل یا کنش می‌داند که مردم را از یکدیگر متمایز می‌سازند (Chaney, 1996). سبک زندگی بیانگر شیوه و محل زندگی، نحوه صرف زمان، ارتباط با دیگران، نحوه مصرف یک فرد می‌باشد. در نظریه‌های پیرامون سبک زندگی و ماهیت آن، دو برداشت و دو گونه مفهوم‌سازی متفاوت به چشم می‌خورد. در نگاه نخست سبک زندگی معرف ثروت و موقعیت اجتماعی افراد و غالباً به‌عنوان شاخصی برای تعیین طبقه اجتماعی به کار می‌رود. در نگاه دوم سبک زندگی در متن تغییرات فرهنگی مدرنیته و رشد فرهنگ مصرف همپای گسترده جغرافیایی سرمایه‌داری متأخر مورد توجه قرار می‌گیرد. در این معنا سبک زندگی راهی برای تعریف ارزش‌ها، نگرش‌ها و رفتارهای هویتی افراد بوده که اهمیت آن برای تحلیل‌های اجتماعی و سیاسی، روز به روز افزایش می‌یابد، این وجه در آثار اندیشمندانی نظیر آنتونی‌گیدنز، پی‌بورديو، اسکات‌لش، ال‌ریش‌بک، گینز و بوریمر، مورد توجه می‌باشد (فزل‌سلفی و فرخی، ۱۳۹۳).

در همین چارچوب گیدنز، سبک زندگی را به انواع فعالیت‌های زندگی روزمره اطلاق کرده است؛ «پوشیدن، خوردن، پیروی از مد و محیط و نوع و شکل روبرو شدن با دیگران توضیح دهنده ماهیت سبک زندگی است» (گیدنز، ۱۳۸۷). هم‌چنین آسابرگر، در توضیح این مهم از سلیقه فرد در آرایش مو گرفته تا سرگرمی، ادبیات و موضوعات دیگر را مد نظر قرار داده و بر آن است (سبک زندگی مد یا حالت زندگی فرد است) (آسابرگر، ۱۳۷۹). در طول تاریخ مطالعات سبک زندگی، سه مرحله اصلی را می‌توان شناسایی کرد:

**سبک زندگی و موقعیت اجتماعی:** مطالعات نخستین در مورد سبک زندگی، بر تحلیل ساختار اجتماعی و موقعیت‌های نسبی افراد در درون آن متمرکز بود. تورستین وبلن با مفهوم «شبیه سازی یا همچشمی»، این دیدگاه را بیان می‌کند که مردم برنامه زندگی مشخصی را می‌پذیرند و به ویژه الگوهای خاصی از «مصرف مشخص» را برای تمایز خود از طبقه اجتماعی پایین تر و تقلید از طبقه برتر انتخاب می‌کنند. ماکس وبر سبک زندگی را عاملی متمایز از گروه‌های وضعیت می‌داند و به شدت به مبحث شناخت اعتبار مرتبط می‌داند: شیوه زندگی، ظاهرترین تمایز اجتماعی حتی در یک طبقه اجتماعی است و به‌طور خاص اعتباری که افراد از آن لذت می‌برند و به دنبال آن هستند را نشان می‌دهد. جرج زیمل تجزیه و تحلیل رسمی سبک زندگی را انجام می‌دهد که در دل آن می‌تواند فرآیندهای فردی‌سازی، شناسایی، تمایز و شناخت باشد، که فرآیندهای تولیدی و اثرات ایجاد شده توسط سبک زندگی را به‌صورت عمودی و افقی درک می‌نماید. در نهایت، پیور بورديو این رویکرد را در یک مدل پیچیده‌تر می‌بیند که در آن سبک‌های زندگی، عمدتاً از شیوه‌های اجتماعی شکل گرفته و به سلیقه‌های مختلف وابسته بوده است و نقطه تقاطع بین ساختار و فرآیندهای مرتبط با عادات را نشان می‌دهد (Berzano & Genova, 2015).

**سبک زندگی به عنوان سبک تفکر:** رویکرد تفسیری سبک زندگی به عنوان سبک‌های اصلی تفکر به تحلیل‌های روانشناسی بر می‌گردد. در ابتدا، آلفرد آدلر، سبک زندگی را به‌عنوان یک سبک شخصیت در نظر گرفت؛ به این معنی که چارچوب راهنمای ارزش‌ها و اصولی که افراد را در سال‌های اول زندگی پرورش می‌دهند، در نهایت موجب می‌شود انسان سیستم دآوری و قضاوت را برای خود تعریف نماید و بدین طریق اعمال خود را در طول زمان زندگی شکل دهد. بعدها، به ویژه در کار میلتنون روکایچ و آرنولد میچل، تحلیل سبک زندگی به عنوان نمایه ارزش‌ها توسعه می‌یابد و فرضیات

<sup>1</sup> - Life Style

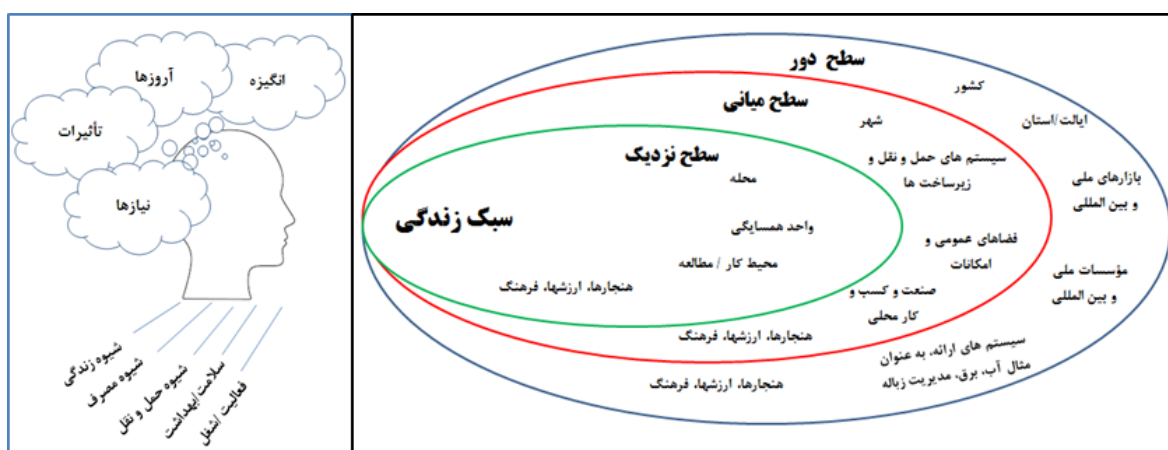
**سطح ساختاری:** هر فرد می‌تواند در سطح ساختاری، تفاوت‌ها و تشابهات میان کشورها، جوامع و فرهنگ‌ها که در طول زمان و در جوامع مختلف روی داده است را مورد آزمون و مطالعه قرار دهد. این تفاوت‌ها میان ساختار فرهنگی جوامع، در قالب اشکال زندگی (سبک‌های زندگی) دسته‌بندی می‌شوند و می‌توانند بازگوکننده اشکال مختلف جامعه و فرهنگ رایج آن باشند.

**سطح موقعیتی:** این سطح به شباهت‌ها و تفاوت‌های جوانب مختلف زندگی، در میان طبقه‌بندی‌های وسیع‌تر می‌پردازد. مانند: طبقات و گروه‌هایی که در ساختار جامعه، موقعیت‌های متنوع و مختلفی دارند. این دسته‌بندی که از طریق موقعیت فرد در ساختار اجتماعی خاص تعریف می‌شود، سبک‌های زندگی، نامیده می‌شوند. برای مثال سبک زندگی فردی از طبقه مرفه یک جامعه، با سبک زندگی کارگران همان جامعه تفاوت دارد.

**سطح فردی:** هر فرد سعی دارد تا تفاوت‌ها و تشابهات میان روش‌های مختلفی که افراد با واقعیات روبرو می‌شوند و زندگی خود را اداره می‌کنند، درک کند و بداند افراد چگونه شخصیت و هویت خود را رشد می‌دهند و با دیگر افراد ارتباط برقرار می‌کنند. ذات و هویت فرد همواره در حال تغییر و تحول است. به همین دلیل سبک زندگی افراد نیز همواره ثابت و یکنواخت نمی‌ماند.

مرتبط با شناسایی مدل‌های مختلف مقیاس‌های سلسله مراتبی سازمان یافته در مورد جمعیت‌های گوناگون، پذیرفته می‌شوند. سپس دانیل یانکلوویچ و ویلیام ولز، روشی را تحت عنوان AIO مطرح می‌کنند که در آن نگرش‌ها، منافع و عقاید به عنوان اجزای سبک زندگی اساسی مورد بررسی قرار می‌گیرند (Berzano & Genova, 2015).

**سبک زندگی به عنوان سبک عمل:** تجزیه و تحلیل سبک زندگی به عنوان نمایه‌های عملی بر اساس این حقیقت مشخص می‌شود که سطح اقدام را به عنوان یک مشتق ساده از زندگی یا حداقل به عنوان بخش همراه خود، مورد توجه قرار می‌دهد. در ابتدا این دیدگاه عمدتاً به رفتار مصرف کننده متمرکز بود. پس از آن، مفهوم سبک عمل گسترده‌تر و بر سطح زندگی روزمره متمرکز شد. همان‌طور که نویسندگانی مانند جفرس دومازجر و آنتونی گیدنز بر استفاده از زمان و تلاش برای مطالعه تعامل بین ابعاد عمل انتخابی و ابعاد روال و ساختاری که این سطح عمل را مشخص می‌کند، تمرکز داشتند. هم‌چنین در مطالعه دیگری (شکل ۱) جنبه‌های مختلف زندگی فردی (در موقعیت‌های دور تا نزدیک) به سه سطح مختلف و در عین حال کاملاً مرتبط با سبک زندگی بررسی شده است:

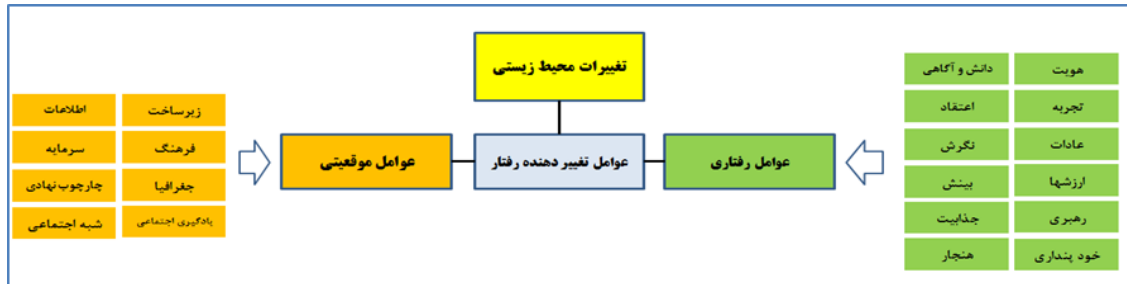


شکل ۱- شمای سبک زندگی فرد و سطوح سه گانه سبک زندگی

Source: Defra, Sustainable Lifestyles Framework, 2011

متعددی در رفتارهای انسانی موثرند (شکل ۲). درک این عوامل به توسعه راهکارهای شیوه زندگی پایدار می‌پردازد که انگیزه‌ها و موانع انسانی را در سطوح فردی و اجتماعی در بر می‌گیرد.

دشوار است مسائل مربوط به پایداری مانند تغییرات اقلیمی جهانی، جنگل زدایی، کمبود آب و انقراض گونه‌های زیستی را بدون عواملی که برای زندگی روزمره و تصمیماتی که تأثیر گذارند. تحلیل نمائیم. عوامل



شکل ۲- عوامل موقعیتی و رفتاری موثر بر رفتار انسان (سبک زندگی)

Source: Defra, Sustainable Lifestyles Framework, 2011.

حقوق عدالت و امنیت، تنوع و انسجام اجتماعی، سلامت و رفاه با هدف دسترسی عادلانه همگانی به منابع و خدمات اجتماعی است. پایداری اقتصادی به معنای بهره‌وری منابع و تدبیر روش‌های مالی متناسب با هدف رفع نیازهای فعلی مردم و نسل‌های آینده است (Baumgartner & Quaas, 2010).

این سه نوع پایداری، وابستگی متقابل دارند و حرکت به سمت سبک‌های زندگی پایدار از پیشرفت هر سه جنبه پایداری پشتیبانی می‌کند. (UN, 2005).

پيامدهای سبک زندگی بر سه جنبه پایداری (محیط زیستی، اجتماعی و اقتصادی) تأثیر گذارست. البته انتخاب سبک زندگی صحیح به معنی این نیست که انتخاب‌های ما در زندگی سلب می‌شود بلکه تأکید بر انتخاب‌هایی است که از شیوه‌های زندگی پایدار حمایت می‌کند. بسیاری از رفتارها به شیوه‌های پایدارتری برای زندگی کمک می‌کنند. برخی از آن‌ها عبارتند از عایق کردن خانه‌ها، کاهش مصرف از طریق نگهداری و تعمیرات محصولات، انتخاب محصولات سازگار با محیط زیست و کاهش تأثیر سفر. بر اساس بررسی گسترده رفتارهای پایدار، اداره محیط زیست، ۳۰ اقدام راهنما را به همراه فعالیت‌های مرتبط برای سبک زندگی پایدار پیشنهاد کرده است (جدول ۱).

### سبک زندگی پایدار<sup>۱</sup>

هیچ تعریف مشترکی از سبک زندگی پایدار وجود ندارد. مرکز وست مینستر برای توسعه پایدار شیوه زندگی پایدار را این‌گونه تعریف کرده است: «الگوهای رفتار و مصرف افراد که برای وابستگی و تمایز خود از دیگران مورد استفاده قرار می‌دهند، به گونه‌ای که نیازهای اساسی آن‌ها را برآورده و کیفیت زندگی بهتر را برای آن‌ها تامین می‌کند؛ استفاده از منابع طبیعی و انتشار ضایعات و آلاینده‌ها را در طول چرخه زندگی به حداقل می‌رساند و نیازهای نسل‌های آینده را به خطر نمی‌اندازد» (CFS, 2004).

گزارش نشست جهانی سازمان ملل متحد در سال ۲۰۰۵، سه نوع پایداری (محیط زیست، اجتماعی و اقتصادی) را مشخص کرد که هر کدام، ارتباط نزدیکی با سبک زندگی دارند و شاخص‌های سودمندی از میزان پایداری خود ارائه می‌دهند. پایداری محیطی مربوط به تأثیرات زیست محیطی تولید و مصرف است. در این زمینه شاخص‌های مختلفی از جمله میزان انتشار کربن و دیگر آلاینده‌ها، میزان آلودگی آب و هوا، استفاده از زمین، جنگل‌زدایی و از بین رفتن گونه‌های زیستی مطرح است. حفاظت محیط زیست از تأثیرات منفی رفتار فعلی ما، تنها راه حفاظت از معیشت نسل فعلی و آینده است. پایداری اجتماعی شامل

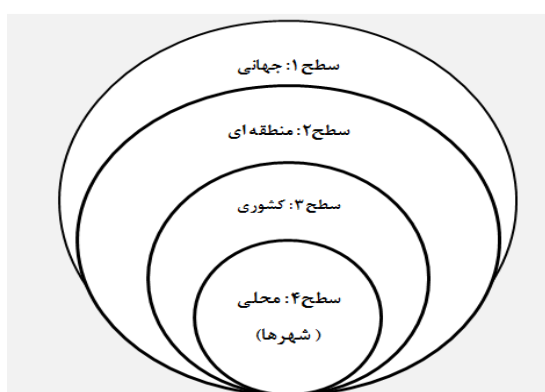
## جدول ۱- رفتارهای کلیدی برای سبک زندگی پایدار

سرفصل	رفتار کلیدی / راهنما
بهبود محیط زیست خانه	عایق بندی: عایق بندی سقف، بالابردن عایق بندی، عایق بندی دیوارهای ثابت و غیر ثابت، پنجره دو جداره ارتقاء سیستم گرمایشی و آب گرم: ارتقاء دیگ بخار نصب و استفاده از دستگاه صرفه جویی آب: نصب سیفون کم مصرف، تصفیه آب، جداسازی آب شرب از غیر شرب تولید انرژی با استفاده از تجدید انرژی: باد، خورشید، میکرو CHP، پمپ‌های حرارتی زمین و هوا
استفاده از آب و انرژی به صورت عاقلانه	مدیریت دما: نصب و استفاده از کنترل‌های دما شستشو و خشک کردن لباس با استفاده از حداقل انرژی و آب: خشکشویی کم مصرف با استفاده از مقدار مناسب مواد شوینده و وسیله کم مصرف
استفاده حداکثری از مواد (تولید حداقل زباله)	نگهداری و تعمیر به جای جایگزینی: نگه داشتن طولانی‌تر کالاهای الکتریکی، تعمیرات کالاهای الکتریکی، تعمیر مبلمان، تعمیر لباس دادن زندگی جدید به موارد ناخواسته، به عنوان مثال مبلمان: لوازم خانگی و کالاهای الکتریکی، با استفاده از سازمان‌های مجدد استفاده از مبلمان یا خدمات مانند Freecycle، Ebay، اهدای لباس به مغازه‌های خیریه بیشترین استفاده از خدمات بازیافت و بازیافت محلی: رنگ‌آمیزی باتری‌ها جهت استفاده به‌عنوان وسیله و ابزار تزئینی، بازیافت منسوجات و لباس، ثبت نام با استفاده از سرویس پست پیشرفته
پخت و پز و مدیریت رژیم غذایی پایدار و سالم	پخت و پز و مدیریت رژیم غذایی پایدار و سالم انتخاب غذاهای بومی در فصل تولید محصول افزایش نسبت سبزیجات، میوه‌ها و دانه‌ها در رژیم غذایی (خوردن یک رژیم متعادل) غذاهای پایدار و سالم‌تر از غذای پخت و پز باقیمانده اندک غذا: بهره‌گیری از غذاهای کمتر دور ریز، استفاده از غذاهای باقیمانده در وعده‌های مختلف رشد مواد غذایی
انتخاب و استفاده از محصولات اقتصادی (سبز)	با استفاده از برچسب زدن برای انتخاب اکثر محصولات انرژی انتخاب مواد غذایی، لباس و ... همراستا با توسعه پایدار: ماهی‌های پایدار مثل ماهی MSC، چوب پایدار و مناسب مانند FSC، محصولات بازیافت شده، انتخاب بدون بسته‌بندی انعطاف‌پذیر قرض گرفتن، یا تهیه دست دوم مواد یا بازیافت: قرض گرفتن کالاهای الکتریکی، انتخاب مبلمان و لباس دست دوم و ... خرید ضروری هنگام مسافرت
حمل و نقل پایدار	استفاده بیشتر از دوچرخه‌سواری، راه رفتن، حمل و نقل عمومی و اشتراک ماشین برای سفرهای کوتاه استفاده از وسایل نقلیه کم مصرف در هنگام خرید استفاده از گزینه‌های دیگر به جای سفر از جمله ویدئو کنفرانس جایگزینی وسایل نقلیه با آلاینده‌گی کمتر
راه اندازی و استفاده از منابع در خود جامعه	رانندگی کارآمدتر: استفاده از فناوری‌های سبز، ترکیب و یکپارچگی سفر راه اندازی سهم خودرو و استفاده از باشگاه‌های خودرو ساخت جوامع کوچک محلی: مهارت مبادله، استفاده از مغازه‌های محلی، کار با جامعه برای رشد مواد غذایی به اشتراک‌گذاری دانش، مهارت و ...: مقایسه استفاده از انرژی در جامعه
استفاده مناسب از فضاهای باز	باغبانی برای تنوع زیستی و محیط‌زیست: ایجاد یک محیط برای حیات وحش، استفاده از آب باران برای کشاورزی، استفاده از کمپوست خانگی، استفاده از کمپوست (بدون سرب) رها شده در محیط لذت بردن از خارج از منزل با استفاده از فضاهای سبز محلی
تلاش در جهت بهبود محیط زیست	داوطلب شدن (با یک گروه محلی یا ملی)، برای پروژه حفاظت محلی، پیوستن به یک گروه زیست‌محیطی درگیر شدن در تصمیمات محلی و شرکت در روند برنامه‌ریزی محلی

Source: Centre of Expertise on Influencing Behavior, Defra Sustainable Lifestyles Framework, 2011

## نتایج و بحث

همان‌گونه که شکل ۳ نشان می‌دهد، نگارندگان براساس مطالعات اسنادی خود چنین استنباط می‌کنند که لازم است سیاستگذاران در سطوح مختلف (جهانی، منطقه‌ای، ملی و محلی) به توافق جهانی در مورد تغییرات آب و هوایی برسند. دستیابی به راه‌حلی برای تغییرات ناشی از الگوی مصرف انرژی یا هر چالش بزرگ جهانی، مستلزم مشاوره‌ها و پیش‌بینی‌های مستقل مبتنی بر شواهد است.



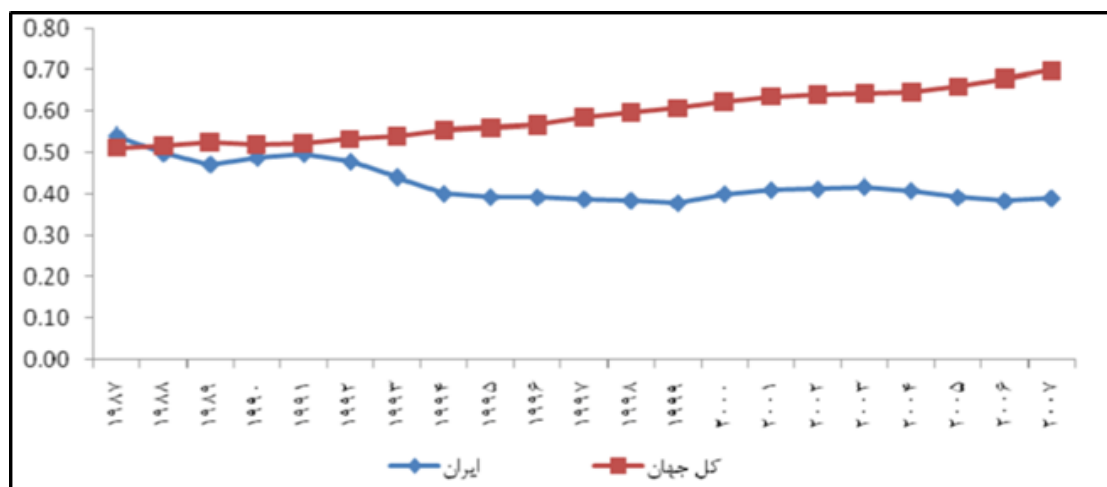
شکل ۳: سطوح مختلف عملکرد برای مواجهه با بحران انرژی (منبع: نگارندگان)

با وجود تدوین و اجرای سیاست‌ها و برنامه‌های متنوع و گوناگون در سطوح مختلف (جهانی تا محلی) و برگزیدن نگرش سیستمی برای مواجهه با بحران انرژی و تلاش در رسیدن به توسعه پایدار، توجه به ویژگی‌های اجتماعی در سطح محلی می‌تواند در زمینه مواجهه با چالش انرژی موثر و مفید باشد. اساساً توسعه اجتماعی همبستگی زیادی با انرژی دارد. به‌عنوان مثال، شیوه‌ی زندگی غربی و پیشرفته، به دسترسی تقریباً نامحدود به منابع انرژی وابسته بوده و سبک زندگی افراد جامعه می‌تواند در مسیر

مثبت مواجهه با انرژی قرار گیرد و یا اینکه بر شدت چالش انرژی در طول زمان بیافزاید و مسأله را در وضعیت بغرنج قرار دهد.

با توجه به گستردگی بحث انرژی، این مطالعه بر روی حامل‌های انرژی که سهم عمده‌ای در سبد مصرفی انرژی (از نظر مقدار) دارد، متمرکز شده است. همچنین بیشتر تمرکز بر آمارهای مربوط به بخش‌های خانگی، عمومی، تجاری و حمل و نقل است که تا حدودی به سبک زندگی افراد یک جامعه مرتبط هستند. آمار و اطلاعات گردآوری شده در ۳ سطح مورد تحلیل قرار می‌گیرد: ابتدا شاخص‌های انرژی (مصرف، بهره‌وری و سرانه انرژی) بین ایران و جهان مقایسه شده است که آمار آن مربوط به کتاب اصلاح الگوی مصرف (مبحث انرژی) مرکز آمار ایران در سال ۱۳۸۸ است و در آن شاخص‌های حوزه انرژی در سطح جهان و ایران در بازه زمانی ۲۰ ساله (۱۹۸۷ تا ۲۰۰۷) با یکدیگر مقایسه شده‌اند. در بخش دوم آمار مربوط به حامل‌های انرژی بخش خانگی، تجاری و عمومی در ارتباط با موضوع (سبک زندگی) بررسی شده است. در نهایت، نتایج اطلاعات آمارگیری مصرف‌های انرژی در بخش خانوارهای ساکن در نقاط شهری، مربوط به سال ۱۳۹۰ و در ۳۱ استان کشور و مسائل مربوط به سبک زندگی آن‌ها تحلیل شده است.

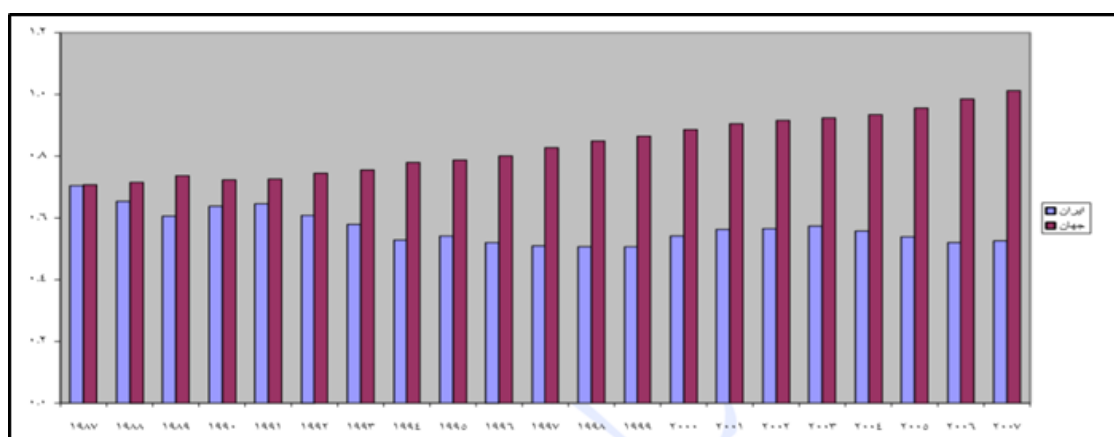
بررسی اطلاعات بهره‌وری عرضه کل انرژی در ایران نشان می‌دهد مقدار این شاخص در سال‌های مورد بررسی (۱۹۸۷ تا ۲۰۰۷ میلادی) حرکت نزولی داشته در حالی که در کل جهان، این شاخص طی همین دوره دارای حرکتی افزایشی بوده است. مقدار شاخص بهره‌وری در سال مبدأ بررسی، ۲ درصد بیشتر از کل جهان بوده در حالی که در سال ۲۰۰۷ این میزان در سطح جهان دو برابر ایران شده است (شکل ۴).



شکل ۴ - بهروری عرضه کل انرژی ایران و جهان (منبع: وزارت نیرو، معاونت برق و انرژی)

سال ۲۰۰۷، مقدار بهره‌وری مصرف کل انرژی در جهان نزدیک به ۲ برابر مقدار این شاخص در ایران شده است (شکل ۵).

مقایسه بهره‌وری مصرف کل انرژی ایران و جهان نیز در دوره بررسی نشان می‌دهد که اگرچه در سال ۱۹۸۷، مقدار شاخص مزبور در ایران و جهان تقریباً برابر است، اما در



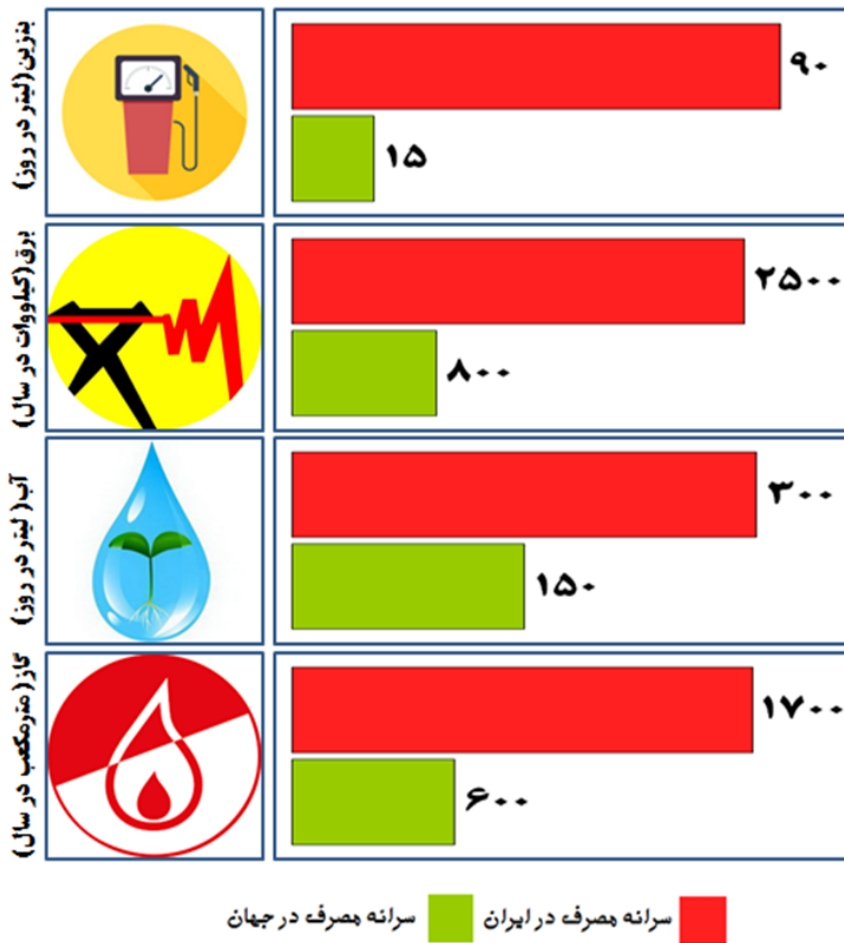
شکل ۵ - بهروری عرضه کل انرژی ایران و جهان (منبع: مرکز آمار ایران: ۱۳۸۸)

کل مصرف نهایی انرژی ایران بیشتر از جهان است. سرانه مصرف سالیانه ایران در برق ۳ برابر، در مصرف آب ۲ برابر، در مصرف بنزین ۶ برابر و در مصرف گاز مایع ۳ برابر میانگین جهانی است (شکل ۶ و ۷).

مطالعه سرانه مصرف نهایی کل انرژی در ایران و جهان طی دوره مورد بررسی نشان می‌دهد که مقادیر این شاخص در ایران افزایشی و برای جهان ثابت بوده است. همچنین تا سال ۱۹۹۱ سرانه کل مصرف نهایی انرژی جهان بیشتر از ایران بوده ولی بعد از سال ۱۹۹۱، سرانه



شکل ۶- سرانه مصرف نهایی کل انرژی ایران و جهان (منبع: مرکز آمار ایران: ۱۳۸۸)

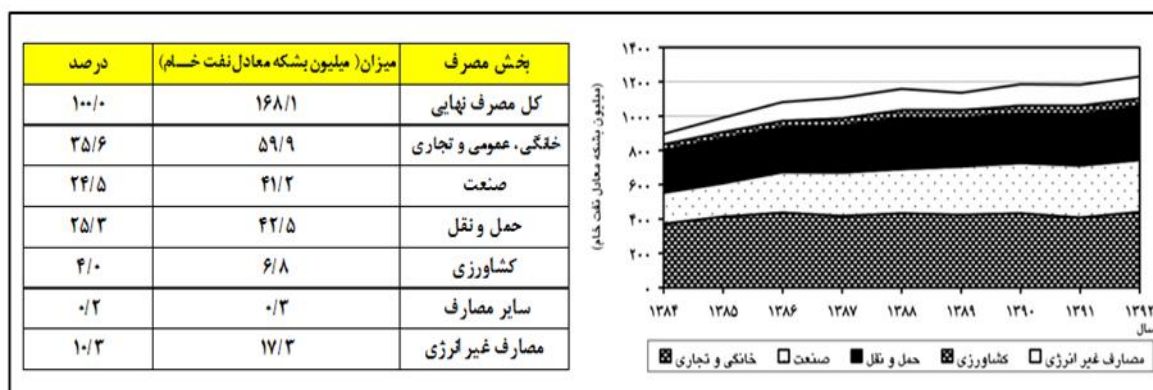


شکل ۷- مقایسه سرانه مصرف انرژی ایران و جهان (منبع: براساس داده های مرکز آمار ایران و وزارت نیرو، معاونت برق و انرژی)

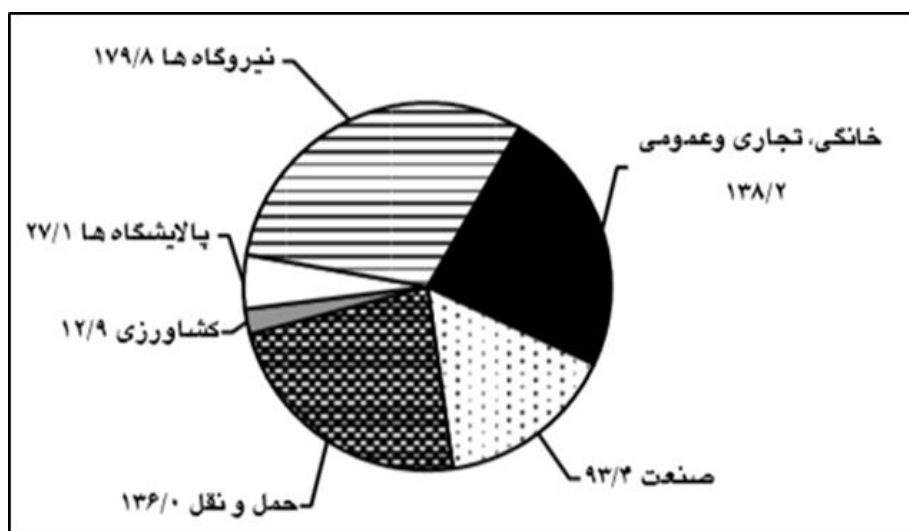
و نقل و کشاورزی نیز مرتبط با سبک زندگی هستند ولی مصرف انرژی در بخش خانگی، عمومی و تجاری از اهمیت بیشتری برخوردارند.

همچنین در حدود ۲۳ درصد از میزان انتشار گاز CO<sub>2</sub> در بخش خانگی، تجاری و عمومی بوده است (شکل ۹).

با توجه به موضوع پژوهش حاضر یعنی بررسی تأثیر سبک زندگی بر میزان مصرف انرژی، انرژی مصرف شده در بخش خانگی، عمومی و تجاری که مستقیم با سبک زندگی افراد مرتبط است از اهمیت زیادی برخوردارند. بر اساس آمار سال ۹۲، ۳۵/۶ درصد از سهم کل انرژی مصرف شده در کشور متعلق به بخش خانگی، عمومی و تجاری بوده است. هرچند سایر بخش‌ها نیز از جمله حمل



شکل ۸- ترازنامه انرژی سال ۱۳۹۲ کشور (میلیون بشکه معادل نفت خام) (منبع: مرکز آمار ایران، ۱۳۹۰)



شکل ۹ - میزان انتشار CO<sub>2</sub> از بخش‌های مختلف انرژی در سال ۹۲ (میلیون تن) (منبع: مرکز آمار ایران، ۱۳۹۰)

تعداد خانوار شهری کشور ۱۵/۴۱ میلیون بوده که این خانوارها در ۱۴/۷۸ میلیون واحد مسکونی زندگی می‌کنند. ۵/۹ میلیون خانوار (۴۰/۵۳ درصد) در واحدهای مسکونی آپارتمانی، ۸/۷ میلیون خانوار (۵۹/۴۳ درصد)،

اهم نتایج وضعیت مصرف حامل‌های انرژی در بخش خانوارهای شهری (۳۱ استان و با حجم نمونه ۱۵۱۳۶ خانوار) بر اساس آمارگیری مرکز آمار ایران در سال ۹۰ عبارت است از:

ساعت استفاده از وسایل و امکانات سرمایشی در یک شبانه روز در فصل تابستان ۱۲ ساعت است. بررسی عایق بندی پشت بام ساختمان واحدهای مسکونی معمولی خانوارهای شهری نشان می‌دهد، ۵۷/۸ درصد ساختمان‌ها از ایزوگام، ۱۲/۴ درصد از آسفالت، ۷/۳ درصد از قیرگونی، ۸/۴ درصد از شیروانی و ۱۴ درصد از سایر عایق‌ها استفاده کرده‌اند.

بررسی امکانات و تجهیزات خانوارهای شهری نشان می‌دهد، به طور متوسط خانوارهای شهری، حداقل یک اجاق گاز (دارای فر یا بدون فر) در واحد مسکونی خود دارند و ۵۲/۵ درصد خانوارها بین ۵۰ تا ۱۱۰ ساعت در ماه، از اجاق گاز (دارای فر و بدون فر) استفاده می‌کنند. ۱۲/۲ درصد خانوارهای شهری از مایکروویو استفاده می‌کنند و ۸۷/۴ درصد این خانوارها، کمتر از ۱۰ ساعت در ماه از این وسیله استفاده می‌کنند. ۷۹/۴ درصد خانوارهای شهری از ماشین لباسشویی استفاده می‌کنند و ۸۵/۵ درصد از این خانوارها کمتر از ۱۰ ساعت در ماه از این وسیله استفاده می‌کنند. ۸۶/۵ درصد خانوارهای شهری از جارو برقی استفاده می‌کنند و ۹۰ درصد این خانوارها کمتر از ۱۰ ساعت در ماه از این وسیله استفاده می‌کنند.

بررسی امکانات و تجهیزات الکترونیکی خانوارهای شهری نشان می‌دهد، در میان ۱۵/۴ میلیون خانوار شهری، ۱۶ میلیون یکی از انواع تلویزیون معمولی، LED، و LCD وجود دارد و ۱۶/۹ درصد خانوارها بیش از ۱۱۰ ساعت در ماه تلویزیون تماشا می‌کنند. در ضمن ۴۴/۲ درصد خانوارهای شهری، از کامپیوتر یا لب تاپ استفاده می‌کنند و ۴۲/۳ درصد از این خانوارها بین ۱۰ تا ۵۰ ساعت در ماه از این وسایل استفاده می‌کنند.

در میان ۱۵/۴ میلیون خانوار شهری، ۲۰/۳ میلیون انواع یخچال - فریزر وجود دارد، یعنی به ازای هر خانوار شهری ۱/۳ انواع یخچال و فریزر وجود دارد. غالباً خانوارهای شهری به دلیل خرید چند ماهه مایحتاج خود (گوشت، سبزی و ...) یک یخچال کفایت آن‌ها را نمی‌نماید از این رو در کنار یخچال خود سعی می‌نمایند فریزر یا یخچال

در واحدهای مسکونی غیر آپارتمانی زندگی می‌کنند و ۰/۰۴ درصد از واحدهای مسکونی از نوع سایر است. مجموع کل زیر بنای واحدهای مسکونی معمولی شهری (آپارتمانی و غیرآپارتمانی)، ۱۵۹۶/۳ میلیون متر مربع است ۳۵/۹ درصد متعلق به واحدهای مسکونی آپارتمانی و ۶۴/۱ درصد متعلق به واحدهای مسکونی غیر آپارتمانی است.

خانوارهای شهری کشور، ۷۷/۱ درصد از کل زیربنای واحدهای مسکونی خود را در ماه‌های سرد سال، گرم و ۶۷/۷ درصد از کل زیربنای واحد مسکونی خود را در ماه‌های گرم سال، خنک می‌کنند. اطلاعات بدست آمده نشان می‌دهد، خانوارهای ساکن در واحدهای مسکونی آپارتمانی درصد بیشتری از زیربنای واحد مسکونی خود را نسبت به خانوارهای ساکن در واحدهای غیر آپارتمانی، برحسب فصل، گرم یا خنک می‌کنند.

بررسی سهمی از زیربنای واحد مسکونی معمولی (آپارتمانی و غیرآپارتمانی) که گرم می‌شود نشان می‌دهد، استان‌های تهران (۹۱/۷ درصد) و قزوین (۹۰/۷ درصد) زیربنای بیشتری و استان‌های هرمزگان (۲۰ درصد) و بوشهر (۴۱ درصد) زیربنای کمتری را نسبت به سایر استان‌ها، گرم می‌کنند. هم‌چنین سهم زیربنای واحد مسکونی معمولی (آپارتمانی و غیرآپارتمانی) که خنک می‌شود نشان می‌دهد استان‌های تهران (۹۰/۴ درصد) و قم (۸۹/۶ درصد) زیربنای بیشتری و استان‌های اردبیل (۱۳/۹ درصد) و آذربایجان شرقی (۲۳/۹ درصد) زیربنای کمتری را نسبت به سایر استان‌ها خنک می‌کنند.

۹۶/۲ درصد خانوارهای شهری، حداقل یکی از وسایل و امکانات گرمایشی شوفاژ، فن کوئل، پکیج، اسپیلیت، بخاری گازی و یا بخاری نفتی را برای گرم کردن واحد مسکونی در فصل زمستان استفاده می‌کنند، که متوسط استفاده از وسیله گرمایشی در یک شبانه روز در فصل زمستان ۱۷ ساعت است. هم‌چنین ۷۰/۹ درصد خانوارهای شهری، از کولر آبی برای خنک کردن واحد مسکونی در فصل تابستان استفاده می‌کنند، که متوسط

دیگری را جهت انبار مواد غذایی خود در نظر بگیرند. البته نبود ثبات قیمت و کمبود کالا در بازار بر میزان ذخیره سازی مواد غذایی از سوی خانوارها موثر بوده و با افزایش خرید یخچال اضافی انرژی بیشتری صرف نگهداری مواد غذایی در منازل می گردد. از سوی دیگر به دلیل تخصیص یارانه در بخش حامل های انرژی، توجه به میزان مصرف تجهیزات مورد استفاده در بین خانوارها از اهمیت زیادی برخوردار نبوده و صرفاً قیمت خود محصول فارغ از

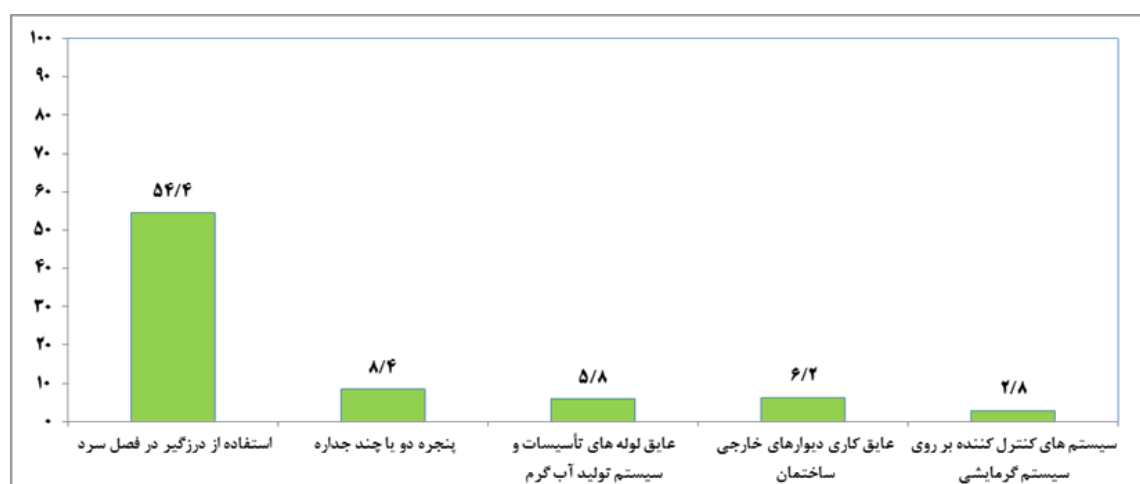
میزان مصرف آن از مورد توجه قرار می گیرد به گونه ای که از بین موارد اعلام شده تنها ۶/۳ درصد محصولات برقی (فن کوئل، پکیج، کولر آبی، یخچال و ...) دارای برچسب انرژی A می باشند و در حدود ۷۱ درصد سیستم های سرمایشی فاقد برچسب انرژی بوده و یا این که از سوی خانوار اظهار نشده است و این موضوع بیانگر کم اهمیت بودن میزان مصرف تجهیزات خریداری شده از سوی خانوارها می باشد.

جدول ۲- وضعیت برچسب انرژی در سیستم سرمایشی مورد استفاده خانوارها (منبع: مرکز آمار ایران، ۱۳۹۰)

برچسب انرژی	فن کوئل	پکیج برودتی	کولر آبی	کولر گازی	یخچال	یخچال فریزر	فریزر	میانگین
A	۰	۰	۳/۲	۱۰/۳	۵/۷	۱۶/۴	۸/۵	۶/۳
B	۴/۳	۶/۱	۳/۸	۱۴/۲	۱۱/۱	۲۴/۱	۱۷/۵	۱۱/۶
C	۵/۱	۰	۴/۶	۴/۸	۶/۴	۱۱/۹	۸/۶	۵/۹
D	۸	۰	۳	۲/۱	۳/۷	۵/۵	۵/۹	۴
E	۰	۰	۱/۵	۱/۱	۱/۶	۱/۸	۲/۲	۱/۲
F	۰	۰	۰/۵	۲	۰/۳	۰/۵	۰/۹	۰/۶
G	۰	۰	۱/۳	۰/۳	۰/۱	۰/۳	۰/۲	۰/۳
اظهار نشده	۸۰/۵	۹۲/۷	۴۶/۱	۴۵/۳	۱۲/۵	۱۷/۴	۱۷/۴	۴۴/۶
ندارد	۲/۱	۱/۲	۳۶/۱	۱۹/۸	۵۸/۵	۲۲/۱	۳۸/۸	۲۵/۵

از حیث رعایت مبحث ۱۹ مقررات ملی ساختمان، در حدود ۵۵ درصد از درزگیر در فصل سرد برای صرفه جویی بهتر در مصرف انرژی استفاده می کنند، ۸/۴ درصد نسبت به نصب پنجره دو یا چند جداره اقدام نموده، در

عایق بندی لوله و دیوارها در حدود ۶ درصد ساختمان صورت پذیرفته و نصب سیستم های کنترل کننده برای سیستم گرمایشی تنها در ۲/۸ درصد واحدهای مسکونی رعایت شده است (شکل ۱۱)



شکل ۱۰- رعایت مواد مبحث ۱۹ مقررات ملی ساختمان از سوی واحدهای مسکونی - سال ۱۳۹۰ (منبع: مرکز آمار ایران، ۱۳۹۰)

## نتیجه گیری

بحران انرژی و اثرات مخرب آن بر محیط زیست، از جمله چالش‌های مهم جهان است و با توجه به اهمیت شهرها از نظر اجتماعی، اقتصادی اثرگذاری و اثرپذیری نقاط شهری در کاهش و یا افزایش آسیب‌های این حوزه اهمیت بیشتری دارد. رویکردها، سیاست‌ها و راهکارهای اجرایی برای کاهش میزان آسیب‌پذیری و مقابله با چالش بحران انرژی در سطوح مختلف (از سطح جهانی تا سطح خرد) از سوی دولت‌های ملی و محلی تعریف و اجرایی می‌شوند. در سطح کلان توافقنامه و معاهدات بین‌المللی از جمله کنوانسیون تغییر آب و هوا، معاهده پاریس، کنوانسیون وین (برای حفاظت از لایه ازن)، کنوانسیون بازل، کنوانسیون آلاینده‌های آلی پایدار (POPs)، کنوانسیون روتردام و در سطح خرد الزام دولت‌های محلی یا شهرداری‌ها جهت رعایت ملاحظات زیست‌محیطی و توجه به بازدهی و بهره‌وری انرژی در دستور کار قرار گرفته است. در همراهی با این حرکت‌ها، توجه به مسائل اجتماعی و فرهنگی مرتبط با این حوزه از اهمیت زیادی برخوردار می‌باشد.

افراد یک جامعه با توجه به عوامل تأثیرگذار حاکم بر محیط (اعم از فضای اجتماعی، اقتصادی، قانون گذاری، سیاسی، جغرافیایی و محیطی) سبک و شیوه زندگی خاصی را برمی‌گزینند که این نوع و شیوه زندگی می‌تواند مسیر یک جامعه را در جهت پایداری مشخص و تبیین نماید.

به دلیل گستردگی، آسیب‌ها و چالش‌های گوناگون حوزه انرژی، تعیین سهم سبک زندگی ناپایدار و در مرحله بعد تعیین سهم زندگی ناپایدار شهری در تخریب و آسیب‌پذیری محیط‌زیست دشوار است. ولی بر اساس اطلاعات پراکنده در سالنامه‌های آماری و داده‌های سازمان‌ها و وزارتخانه‌های مختلف از جمله وزارت نیرو، سازمان بهره‌وری انرژی و ... میزان مصرف انرژی در کشور ایران نسبت به میانگین جهانی نگران کننده است، به گونه‌ای که سرانه مصرف ایرانیان در بخش‌های مختلف انرژی از جمله آب، برق، گاز مایع، بنزین به ترتیب ۲، ۳،

۳ و ۶ برابر میانگین جهانی است. اگر چه بخشی از این میزان مصرف حامل‌های انرژی به روش و تکنولوژی کشور برمی‌گردد ولی از آنجایی که در حدود ۳۶ درصد مصرف حامل‌های انرژی مربوط به بخش خانگی، تجاری و عمومی بوده و حمل و نقل نیز در حدود ۲۰ درصد مصرف انرژی در ایران را به خود اختصاص داده، بخش اعظمی از هدر رفت انرژی در این بخش‌ها در ارتباط با سبک زندگی افراد بوده است.

زمانی که افراد جامعه در تهیه وسایل و امکانات مورد نیاز زندگی خود صرفاً قیمت محصول را مدنظر قرار داده و به میزان مصرف انرژی (برچسب انرژی) کالای مورد نظر توجهی نمی‌کنند و تخصیص یارانه از سوی دولت در حامل‌های انرژی و عدم قیمت‌گذاری واقعی آن‌ها (لحاظ نکردن هزینه‌های ناشی از تخریب محیط‌زیست) نیز مزید برعلت شده و خرید کالا با مصرف انرژی بالاتر (به دلیل قیمت پایین‌تر) معقول جلوه می‌نماید، حال آن‌که در بلند مدت به دلیل بالا بودن میزان مصرف انرژی، فشار بیشتری بر محیط‌زیست وارد گشته و هزینه خانوار را نیز در بلندمدت افزایش می‌دهد. هم‌چنین رواج (مد) وسایل و امکانات غیرضروری زندگی از جمله توستر، ماکروویو، چای‌ساز، قهوه جوش که ریشه در سبک زندگی غربی داشته و موجب افزایش مصرف انرژی در خانوارهای شهری می‌شود.

بی‌تردید مشکل حمل و نقل از اولین اولویت‌ها و برنامه‌های مدیریت شهری به‌ویژه در کلانشهرها از جمله تهران می‌باشد. اگر چه می‌توان با بروز نمودن خودروها و نوسازی ناوگان حمل و نقل شهری و گسترش خطوط مترو با معضلات حوزه انرژی (از جمله آلودگی هوا و مصرف بی‌رویه انرژی) مقابله کرد لکن زمانی که سبک زندگی افراد یک جامعه سبز نیست و از نظر مردم مسأله محیط زیست به دغدغه روزمره آن‌ها تبدیل نشود، شاهد اتومبیل‌های تک سرنشین و حمل و نقل خودرو شخصی به جای استفاده از حمل و نقل عمومی خواهیم بود.

در حوزه ساختمان و مسکن، آمار موجود بیانگر آن است که اصول مبحث ۱۹ قانون ملی ساختمان (از جمله

۱۰. مرکز آمار ایران، ۱۳۹۰، گزیده نتایج سرشماری عمومی

نفوس و مسکن

11. Alan Berube, Jesus Leal Trujillo, Tao Ran, and Joseph Parilla, "Global city GDP 2014". Brookings Institution. Retrieved 8 May 2015.

12. Barney Cohen (2015). "Urbanization, City Growth, and the New United Nations Development Agenda". 3 (2). Cornerstone, The Official Journal of the World Coal Industry. pp. 4-7.

13. Berzano L., Genova C., Lifestyles and Subcultures. History and a New Perspective, Routledge, London, 2015 (Part I).

14. Chaney, David, 1996. Lifestyles. London: Rutledge, p. 4

15. DEFRA (2011). Framework for Sustainable Lifestyles. Centre of Expertise on Influencing behaviours. Available at:

<http://www.defra.gov.uk/environment/economy/products-consumers/influencing-behaviour/>.

Degrowth.org (2010).

16. De growth Declaration Barcelona 2010. Second Conference on Economic growth for Ecological Sustainability and Social Equity, Barcelona, March 26-29.

17. De Leeuw, B. (2002). Implementing sustainable consumption and production policies: North-South, South-South and East-West partnerships. Informal expert meeting, Paris, 6-7 May UNEP. DESIS Network (2011). Case study

18. Doxiadis, Constantinos A., 1963. Architecture in Transition. London, Hutchinson.

19. F. William Engdahl (Mar 18, 2012). "Behind Oil Price Rise: Peak Oil or Wall Street Speculation? Axis of Logic. Retrieved 21 March 2012.

20. Foxon, T.J., 2011. A co-evolutionary framework for analyzing a transition to a sustainable low carbon economy. Ecol. Econ. 70, 2258-2267.

21. Lund, P., Byrne, J., 2014. Energy and environment is defined by its cross-disciplinary basis: an editorial essay.

22. WIREs Energy Environ. 3, 1-2 doi: 10.1002/wene.104. Pachauri, R.K., 2012. The way forward in climate change mitigation.

23. WIREs Energy Environ. 1, 3-8 doi: 10.1002/wene.36. Sovacool, B.K., 2014. Energy studies need social science. Nature 511, 529-530.

24. Heidegger, M., 1971. Poetry, Language, Thought. Trans. Albert Hofstadter, New York: Harper & Row, p. 147

25. [https://www.civilica.com/Paper-GBC01-GBC01\\_084.html](https://www.civilica.com/Paper-GBC01-GBC01_084.html)

26. Online Etymology Dictionary

استفاده از درزگیر، عایق‌بندی ساختمان، استفاده از پنجره ۲ جداره) چندان رعایت نمی‌شود که بخشی از آن مربوط به سبک و شیوه زندگی مورد اقبال جامعه می‌باشد.

در مجموع می‌توان با بروز نمودن وسایل و امکانات زندگی و استفاده از فناوری سبز، واقعی نمودن قیمت محصولات (محاسبه اثرات زیست محیطی و ...) از یک طرف و افزایش آگاهی مردم از سوی رسانه‌های اجتماعی و تبلیغات مناسب، نسبت به ترویج سبک زندگی پایدار اقدام و در جهت توسعه پایدار گام برداشت.

## منابع

۱. آسابرگر، آرتور، ۱۳۷۹، روش تحلیل رسانه‌ها، ترجمه پرویز جلالی، تهران: مرکز مطالعات رسانه‌ها.

۲. ترازنامه انرژی سال ۱۳۹۲، معاون امور برق و انرژی

۳. رضوی‌زاده، نورالدین، ۱۳۸۳، بررسی تأثیر رسانه‌ها، بر تمایل روستائیان در تغییر سبک زندگی، پایان‌نامه دکترا، تهران: دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی

۴. زارع شاه‌آبادی، حاجی‌زاده، لطفعلیانی، سلیمانی، بررسی تأثیر عوامل اجتماعی- فرهنگی بر الگوی مصرف انرژی در خانوارهای شهر یزد. فصلنامه پژوهش‌های سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی انرژی. ۱۳۹۲

۵. طاهری، جعفر، ۱۳۹۳، معماری، سبک زندگی و اندیشه سبز، نخستین کنفرانس ملی ساختمان سبز، مشهد، دانشگاه فردوسی مشهد، گروه عمران.

۶. فنی. زهره، ۱۳۹۳، توسعه، پایداری و جهانی شدن، ویراست دوم، تهران: انتشارات مرکز ملی جهانی شدن.

۷. قزلسفلی، محمد تقی، فرخی، سمیه ۱۳۹۳، جهان زیست ایرانی و تأثیر آن در نهادمندی سبک زندگی، فصلنامه جامعه‌شناسی نهادهای اجتماعی، ص ۸۴-۶۱

۸. گیدنز، آنتونی، ۱۳۸۱، چکیده آثار، ترجمه حسن چاوشیان، تهران، ققنوس.

۹. نصر، سیدحسین، ۱۳۸۹، دین و نظام طبیعت. ترجمه محمدحسن غفوری، حکمت، فصل ۶

28. Nearing, Scott; Helen Nearing (1953). Living the Good Life

27. Surlin, S.H., Squire, L.A. (1997), Canadian Cultural Materialism: Personal Values and Television Advertising, Retrieved from <http://eric.ed.gov>.

## Impact of Lifestyle of Urban Households in Energy Crisis (With Emphasis on Iran)

Zohreh Fanni<sup>1\*</sup>, Mostafa Shamsaee<sup>2</sup>

1\* - Associate Prof.; Shahid Beheshti University, Tehran, Iran

2- Shahid Beheshti University, Tehran, Iran

### Abstract

Nowadays, Cities are considered to be the largest and most important human habitat due to their function at the national, regional and global levels and in different dimensions of political, social, cultural, economic and environmental dimensions, so that metropolises today play an important and affective function in global production. Hence, cities are considered to be the largest energy consumer units in the world, which create the greatest global challenges in the event of improper and non-principled use of energy. Countries try to choose the right and wise behavior to overcome these challenges. Undoubtedly, a systematic look at this issue is a principled approach, and attention to social issues is one of the most important and fundamental areas for exploration. The present paper examines the theoretical fundamentals of energy crisis approaches and states that government policies and practices at various levels, such as international agreements, the use of technology and green technology, rising prices for energy carriers, without the support of green thinking (a sustainable lifestyle), can not work well to deal with this crisis.

A sustainable lifestyle is a treat way that attempts to reduce an individual's or society's use of the earth's natural resources and personal resources. Practitioners of sustainable living often attempt to reduce their carbon footprint by altering methods of transportation, energy consumption, and diet. Proponents of sustainable lifestyle aim to conduct their lives in ways that are consistent with sustainability, in natural balance and respectful of humanity's symbiotic relationship with the earth's natural ecology and cycles. The practice and general philosophy of ecological living are highly interrelated with the overall principles of sustainable development.

**Key words:** Lifestyle, Sustainable lifestyle, Urban household, Energy crisis